

بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه)

ساجده مشایخی^۱، همایون مرادنژادی^{۲*}، سمیره صی محمدی^۳، علی اصغر میرک‌زاده^۴

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۳۱؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی انجام شد. جامعه آماری این تحقیق را زنان روستایی سرپرست خانوار عضو کمیته امداد و بهزیستی شهرستان کرمانشاه تشکیل داد. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای دارا بودن مهارت در یک شغل، وضعیت مالی خانواده پدری، نداشتن سرمایه اولیه، میزان آشنایی با بازار کار و تعداد افراد تحصیل کرده بیکار در خانواده بیشترین تأثیر را بر میزان فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی دارند. به طور کلی می‌توان بیان کرد که تقریباً نیمی از زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه خانه‌دار بوده‌اند و هیچ شغل و منبع درآمد مشخصی نداشته‌اند، بنابراین پیشنهاد می‌گردد مسئولین و متولیان امر، زمینه ایجاد مشاغل خانگی و مشاغل که نیاز به مهارت چندانی ندارد را برای آنان فراهم نمایند و همچنین شرایطی فراهم شود که این زنان بتوانند هم‌زمان با کار به مسئولیت‌های خانه هم رسیدگی کنند.

واژه‌های کلیدی: فقر اقتصادی، فقر جنسیتی، فقر زنان، زنان سرپرست خانوار، زنان روستایی.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی، گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

^۲ دانشیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

^۳ استادیار گروه کارآفرینی و توسعه روستایی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

^۴ استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: homayoon.moradnezehadi@yahoo.com

زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، در حالی که ۱۵/۵ درصد از نیروی کار شاغل در اقتصاد متعلق به آن‌هاست. مطابق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۳۹۴، ۱۴ درصد بوده است، به عبارتی ۱۴ درصد از زنان بالای ۱۵ سال، شاغل بوده و ۸۶ درصد آنان در بازار کار نیستند (براتی و ابراهیمی سالاری، ۱۳۹۷). از این رو خانواده‌هایی که تحت سرپرستی زنان اداره می‌شوند اغلب از زمره فقیرترین و آسیب‌پذیرترین خانواده‌ها در جوامع روستایی هستند (پیری، ۱۳۹۰). مطابق تعریف مرکز آمار ایران، زنان سرپرست خانوار به کسانی گفته می‌شود که بدون حضور منظم و یا حمایت یک مرد بزرگسال سرپرستی خانوار را بر عهده می‌گیرند و مسئولیت اداره‌ی اقتصادی خانواده، تصمیم‌گیری‌های عمده و حیاتی با آن‌هاست (مؤمنی‌زاده، ۱۳۹۳). زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماع هستند که عواملی همچون طلاق، فوت همسر، اعتیاد یا از کارافتادگی همسر، رها شدن توسط مرد مهاجر و یا بی‌مبالات، موجب آسیب‌پذیرتر شدن این طیف وسیع از جامعه شده است (غفاری، ۱۳۸۲). این در حالی است که بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۲/۶۹ درصد از خانوارهای ایران دارای سرپرست زن هستند که این رقم در مقایسه با سال‌های قبل افزایش یافته است (فطرس و قدسی، ۱۳۹۷). از سوی دیگر حدود ۱۴/۶۴ درصد زنان سرپرست خانوار شاغل و حدود ۸۵ درصد بیکار، محصل، خانه‌دار و دارای درآمد بدون کار هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، بنابراین خانوارهای زن سرپرست، فقیرتر بوده و دسترسی کمتری به شغل و خدمات دولتی مانند اعتبار و وام دارند. در این نوع خانوارها، زنان باید به تنهایی، علاوه بر سرپرستی و کسب درآمد و مدیریت اقتصادی، وظایفی همچون نگهداری از بچه‌ها و بهبود شرایط زندگی اعضا را نیز بر عهده بگیرند (فرضی‌زاده و حقی، ۱۳۹۹).

زن سرپرست خانوار، ناگزیر سرپرست خانوار شده است بدون آنکه دیگر نقش‌های خود را در خانواده کنار گذاشته باشد. در شرایطی که زن بودن به دلیل نابرابری‌های مبتنی بر جنسیت در دستیابی به فرصت‌ها و امکانات موجود در جامعه، امکان سرپرستی خود و یا خانواده را برای وی دشوارتر از پیش می‌سازد (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۲). در واقع، یکی از چیزهایی که زنان سرپرست خانوار را به فقیرترین فقرا تبدیل می‌کند، نبود یا ضعف سیاست‌ها و حمایت اجتماعی است. دلیل دیگر فقر زنان سرپرست خانوار، محدودیت شبکه روابط و سرمایه اجتماعی است (فرضی‌زاده و حقی، ۱۳۹۹).

نتایج پژوهش‌های میدانی متعدد در سطح کشور این یقین را به دست می‌دهد که زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های فقیر و آسیب‌پذیر جامعه به شمار می‌روند (مؤمنی‌زاده ۱۳۹۳)، بنابراین بر کسی پوشیده نیست که می‌بایست زنان سرپرست خانوار از سوی دولت به‌عنوان مسئول رفاه عمومی مورد حمایت قرار گیرند، اما چگونگی این حمایت جای بحث و بررسی جدی دارد. زنان روستایی به‌عنوان بخش مهمی از بیکاره‌ی اجتماع و نیز به عنوان یکی از گروه‌های به شدت آسیب‌پذیر جامعه، نیازمند توجه ویژه‌ای هستند. به نظر می‌رسد در عرصه تحقیقات دانشگاهی فقر زنان روستایی سرپرست خانوار کمتر مورد توجه بوده و علل و راهکارهای کاهش آن مورد غفلت واقع شده است. همچنین بررسی مطالعات پیشین نشان داد که تاکنون مطالعات درخور توجهی در رابطه با وضعیت اقتصادی زنان سرپرست خانوار در استان کرمانشاه صورت نگرفته است. در حالی که شهرستان کرمانشاه با دارا بودن ۱۸۸۵ خانوار زن سرپرست تحت پوشش کمیته امداد (کمیته امداد امام خمینی استان کرمانشاه، ۱۳۹۶) و ۱۵۸ نفر زن سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی (سازمان بهزیستی استان کرمانشاه، ۱۳۹۶) بیشترین خانوار با سرپرستی زن را در این استان دارا می‌باشد. از این رو در این تحقیق تلاش شده است با توجه به ویژگی‌های خاص جامعه روستایی با نگرشی جامع، فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه و عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گیرد، بنابراین این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که شرایط اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستاهای شهرستان کرمانشاه چگونه است و چگونه می‌توان فقر اقتصادی آن‌ها را کاهش داد.

در بررسی مسئله فقر به ویژگی‌های متعددی برای شناخت فقرا اشاره شده است، وضعیت مسکن، وضعیت اشتغال سرپرست خانوار، فقدان عضو شاغل، وضعیت تأهل، بعد خانوار، بی‌سوادی و فقدان عضو باسواد، اشتغال در بخش‌های ساختمان، کشاورزی، اشتغال در مشاغل حقوق‌بگیر از جمله این ویژگی‌هاست (مؤمنی‌زاده، ۱۳۹۳). نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد همواره مشکل فقر در خانواده‌های با سرپرستی زن بیش از خانواده‌هایی با سرپرستی مرد است. پیش‌فرض اینکه زنان سرپرست خانوار با خطر فقر بیشتری مواجه‌اند بدون دلیل و زمینه نیست، دلایل بسیاری در تأکید محرومیت زنان سرپرست خانوار به دلیل جنسیت و در پی آن محرومیت از منابع وجود دارد (موسوی و آذری بنی، ۱۳۹۵). در این راستا فرضی‌زاده و حقی

(۱۳۹۹) در مطالعه‌ای با بررسی وضعیت فقر زنان سرپرست خانوار به این نتیجه دست یافتند که مواردی همچون، گذران زندگی به دشواری، درآمد ناکافی، کیفیت نامطلوب مسکن و تغذیه، ابتلا به بیماری، ضعف مهارت‌ها، عدم برخورداری از بیمه، یأس، نگرانی و عدم اطمینان درباره آینده خود و فرزندان، نگرانی از باورهای سایرین و در معرض برخی آسیب‌های اجتماعی بودن، از جمله مسائلی هستند که زنان سرپرست خانوار با آن روبرو می‌باشند. این در حالی است که نتایج مطالعه‌ی شالچی و عظیمی (۱۳۹۸) حاکی از این است که نرخ رشد تعداد شاغلین زن در بازه سال‌های ۶۵-۱۳۷۵، معادل ۷۸ درصد بوده اما این نرخ در سال‌های ۸۵-۱۳۹۵ به ۲۰/۷ درصد کاهش یافته است. همچنین نرخ مشارکت اقتصادی زنان از ۶/۹۸ درصد در سال ۶۵ به ۱۵/۹ در سال ۹۵ افزایش یافته است، اما این نرخ در مقایسه با سایر کشورهای خاورمیانه نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.

در رابطه با شاخص شکاف جنسیتی، در سال ۱۳۹۵، سهم مردان از مشاغل حقوق‌بگیر ۸۲/۷ درصد و سهم زنان تنها ۱۷/۳ درصد بوده است. در این راستا اکبری ترکمان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار منطقه ۵ شهر اصفهان با تأکید بر مؤلفه اشتغال به این نتیجه رسیدند که دو تیپ زن سرپرست خانوار وجود دارد که شامل فعال و منفعل می‌شوند و موانع موجود بر سر راه توانمندسازی آنان از نگاه خودشان شامل فقر اقتصادی، مشکلات جسمی و روانی، نامنی محیط کار و عدم حمایت اجتماعی اطرافیان می‌باشد.

همچنین فطرس و قدسی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافتند که عواملی همچون؛ مسن بودن زن سرپرست خانوار، بیکاری و خانه‌دار بودن و همچنین متأهل بودن آن‌ها در مقایسه با سرپرستان مطلقه احتمال فقیر بودن آن‌ها را افزایش می‌دهد. از طرفی براتی و ابراهیمی سالاری (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای با بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای زن سرپرست در ایران به این نتیجه دست یافتند که عواملی همچون ساکن استان‌های سنی نشین بودن، ۳۰ تا ۴۰ ساله و ۵۰ تا ۶۰ ساله بودن سرپرست خانوار، بالا بودن تعداد نوجوانان (۹-۱۹ ساله) در خانواده، تعداد کم اتاق‌ها و نیز مساحت در اختیار خانوار اثر معناداری بر احتمال فقیر بودن خانوارهای دارای سرپرست زن دارد. این در حالی است که سعدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان نقش کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار استان همدان به این نتیجه رسید که شناسایی و معرفی کسب‌وکارهای پر درآمد، آموزش زنان سرپرست خانوار در مدیریت درآمدها، هزینه‌ها، کنترل نرخ تورم، پایین آوردن خط فقر در جامعه روستایی و جبران منابع مالی زنان سرپرست خانوار می‌تواند تا حدی در کاهش فقر اقتصادی این زنان مفید باشد. همچنین منفرد (۱۳۹۲) نیز در مطالعه‌ای به این نتیجه دست یافت که میزان سواد، درآمد، دسترسی به رسانه‌ها و شرکت در کلاس‌های آموزشی از عوامل تأثیرگذار بر آگاهی زنان روستایی از حقوق فردی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌باشد. از طرفی قنبری و انصاری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان شناسایی و تبیین عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی، همکاری آن‌ها در فعالیت‌های اقتصادی، عوامل فردی و اجتماعی است که مقدار واریانس تجمعی تبیین شده توسط این عوامل ۵۵/۸۰ می‌باشد. علاوه بر این، اساسی‌ترین موانع موجود در مسیر توانمندسازی زنان عواملی نظیر نبودن فرصت‌های شغلی، پایین بودن میزان تحصیلات، وجود تصمیمات خانوادگی و نبود حمایت‌های قانونی و شبکه ارتباطی می‌باشد که به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت در زمینه توانمندسازی مهم‌ترین عامل مربوط به توانمندسازی اقتصادی است چراکه بزرگ‌ترین مشکل زنان سرپرست خانوار مشکل اقتصادی است.

همچنین امینی و طاهری (۱۳۹۵) در مطالعه‌ی خود با عنوان تحلیل نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی در شهرستان جهرم به این نتیجه دست یافتند که هیچ‌گونه بستر نهادی و سازمانی برای نظم‌بخشی، حمایت، هدایت و به فعلیت رساندن پتانسیل ارزشمند اقتصادی و شغلی زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت فعال منطقه وجود ندارد و در بهره‌برداری‌های ناچیزی که تاکنون صورت گرفته است ساختار خانوارها نقش بیشتری داشته‌اند. از سوی دیگر راغفر و سلیمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی و فقرزدایی از زنان مطلقه و همسر فوت شده در شهرستان سلسله، به بررسی عملکردهای کمیته امداد امام خمینی شهرستان سلسله در فقرزدایی زنان مطلقه و همسر فوت شده پرداخته‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان داد که متغیرهای آموزش عمومی، مهارت‌آموزی، وام کم‌بهره و طرح خوداشتغالی به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر میزان

فقرزدایی تأثیرگذارند. این در حالی است که محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که صندوق اعتبارات خرد تأثیر مثبتی بر توانمندسازی زنان روستایی استان‌های کرمانشاه و همدان گذاشته است. چنانچه متغیرهای درک کفایت میزان اعتبارات دریافتی، تعداد شغل ایجاد شده، میزان درآمد حاصل از شغل و شرکت در دوره‌های مهارت‌آموزی تأثیر مثبت و معناداری بر توانمندسازی زنان روستایی دارد. گریک (Geric, 2013) در مطالعه‌ای در مورد نابرابری جنسیتی و توانمندسازی زنان سه هدف محوری را عنوان کرد، اول باید خشونت علیه زنان و دختران از بین برود و سپس باید توزیع امکانات، دانش و بهداشت برابر شود تا زمینه‌های دستیابی زنان به امنیت اقتصادی و اجتماعی تأمین شود و در نهایت باید برابری جنسیتی و قدرت تصمیم‌گیری در نهادهای عمومی و خصوصی، شوراهای محلی، رسانه‌ها و جوامع شهری و مدیریت بنگاه‌ها فراهم شود.

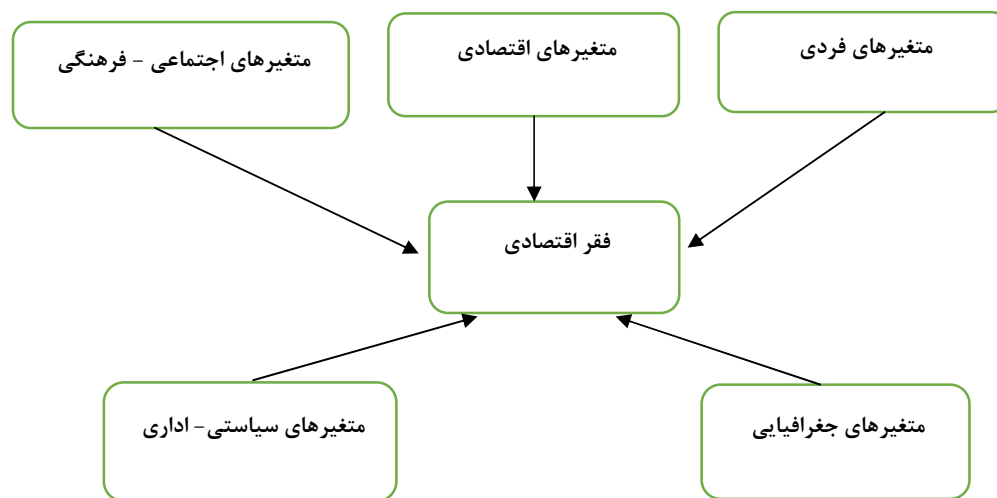
از طرفی چیا و همکاران (Chia *et al.*, 2017) در پژوهشی با عنوان زنان سرپرست خانوار و شرایط زندگی در امریکای لاتین به این نتیجه رسیدند که تعداد زنان سرپرست خانوار به طور فزاینده‌ای در سراسر جهان در حال افزایش است و خانواده‌های با سرپرستی زن، فقیرتر از خانواده‌های با سرپرستی مرد هستند و سیاست‌گذاران باید فرصت‌های برابری را برای زنان فراهم کنند. همچنین لکوبان و سلکا (Lekobane & Seleka, 2017) اثر تعیین‌کننده‌های رفاه و فقر را در بوتسوانا برای سال‌های ۲۰۰۲-۲۰۰۳ و ۲۰۱۰-۲۰۰۹ با استفاده از رگرسیون‌های لاجیت و پرابیت برآورد کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان داد که متغیرهای سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال سرپرست خانوار از تأثیرگذارترین عوامل بوده‌اند. همچنین سکونت در روستا احتمال فقیر بودن را افزایش داده و رابطه‌ی منفی با سطح رفاه داشته است. این در حالی است که مکامی و امزی (Makame & Mzee, 2014) با استفاده از پیمایش بودجه خانوار زنجیاری برای سال‌ها ۲۰۰۳-۲۰۰۲ و ۲۰۱۰-۲۰۰۹ یک مدل لجیستیک را برای برآورد آثار اجتماعی بر احتمال رخداد فقر ارائه کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان داد که اندازه خانوار، محل سکونت (روستا یا شهر) و سطح تحصیلات بر فقر خانوارها مؤثر بوده است، اما وضعیت سرپرست خانوار (سن و جنس) و وضعیت اشتغال (شاغل، ماهیگیر و کشاورز) بی‌معنا بوده‌اند. از طرفی بوشرا و نسرا (Bushra & Nasra, 2015) در پژوهشی با عنوان دستیابی به توانمندی اجتماعی- اقتصادی زنان در پاکستان به این نتیجه رسیدند که اگر تحصیلات، مشارکت‌های اقتصادی و موقعیت‌های اقتصادی برای زنان در دسترس باشد توانمندی زنان افزایش می‌یابد، پس با تمرکز بر این عوامل می‌توان نقش زنان را پررنگ‌تر کرد.

همچنین اوزما و مارتها (Ozama & Martha, 2010) در مقاله‌ای با عنوان شرایط اقتصادی خانواده‌های زن سرپرست در تاپوان در مقایسه با ایالات متحده و سوئیس در سال ۲۰۱۰، به این نتیجه دست یافتند که دولت تاپوان کمترین نرخ فقر را در بین دو کشور دیگر داشته و متغیرهای آموزش، کار و وضعیت سرپرست خانوار تعیین‌کننده نرخ فقر بوده‌اند. در نتیجه تاپوان به عنوان یکی از کشورهای اقتصادی آسیا، راه‌های مختلف رفاه اقتصادی را پیش روی خانواده‌های زن سرپرست قرار داده است و در مقایسه با دو کشور دیگر موفق‌تر عمل کرده است. این در حالی است که گاسپارت و توماس (Gaspart & Thomas, 2012) در مطالعه خود این پرسش‌ها را مطرح کردند که آیا فقر کنونی می‌تواند متأثر از فقر در گذشته باشد؟ و چه عواملی بر پویایی فقر و تله فقر در مناطق روستایی ماداگاسکار اثر گذارند؟ نتایج حاکی از آن بود که خانوارهای آسیب‌پذیر نسبت به فقر، خانوارهایی هستند که تحصیلات کم‌تری دارند و با توجه به اینکه الگوی کسب درآمدی افراد در این مناطق متفاوت است، آن‌ها دارای سطح درآمدی پایین‌تر و بنابراین، نرخ وابستگی بالاتری هستند. همچنین، نتایج نشان‌دهنده آن بود که فقر کنونی می‌تواند اثر واقعی بر وضعیت افراد در آینده داشته باشد.

در اکثر مطالعاتی که بررسی شده است عواملی همچون بی‌سوادی، بعد خانوار، تعداد شاغلان کمتر در خانواده، نبود و یا ضعف منابع درآمدی، سرمایه انسانی و اجتماعی، مسائل مربوط به ایفای نقش‌های متعدد، دستمزدهای نابرابر نسبت به مردان در موقعیت‌های شغلی برابر، ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی و نداشتن درآمد مستمر از عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی خانوارهای زن سرپرست می‌باشند، بنابراین با توجه به کلیه مطالب پیش گفته شده، این پژوهش در قالب مدل مفهومی زیر به بررسی و سنجش ابعاد فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی در شهرستان کرمانشاه پرداخته است. بررسی فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار در روستاهای شهرستان کرمانشاه از سه جهت دارای اهمیت است، اول اینکه شهرستان کرمانشاه پرجمعیت‌ترین شهرستان این استان می‌باشد و با بیش از ۲۰۴۳ نفر زن سرپرست خانوار، بیشترین تعداد را در این استان دارا

می‌باشد و دوم اینکه فقر اقتصادی در روستاهای این استان پر رنگ‌تر می‌باشد و سوم اینکه هیچ پژوهشی در این زمینه در روستاهای این شهرستان انجام نشده است. از این رو بررسی و تحلیل وضعیت فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی در این شهرستان و شناسایی عوامل تقویت‌کننده و تضعیف‌کننده جهت داشتن برنامه‌ریزی درست لازم و ضروری است. امید است با انجام این پژوهش و با بررسی مشکلات و نیازهای زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه و با ارائه راه‌کارهای لازم، سازمان کمیته امداد و دیگر سازمان‌های مردم‌نهاد درصدد شناسایی این زنان و مرتفع نمودن مشکلات آن‌ها برآیند، بنابراین هدف کلی این پژوهش بررسی فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه می‌باشد. برای دستیابی به هدف کلی پژوهش اهداف اختصاصی زیر تعیین شده است.

- تعیین تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه؛
- تعیین تأثیر عوامل اقتصادی بر فقر زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه؛
- تعیین تأثیر عوامل فردی بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه؛
- تعیین تأثیر عوامل سیاستی- اداری بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه؛ و
- تعیین تأثیر عوامل جغرافیایی بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه



نگاره ۱- مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پارادایم حاکم بر این تحقیق با توجه به ماهیت و نوع پژوهش، کمی است. این پژوهش از لحاظ هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی است زیرا هدف آن بررسی فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی است، بنابراین می‌توان نتایج حاصل از این پژوهش را در برنامه‌ریزی‌های مختلف توسعه برای زنان سرپرست خانوار روستایی به کار برد و جنبه‌های کاهش‌دهنده فقر اقتصادی را تقویت نمود و در جهت رفع فقر اقتصادی موجود برنامه‌ریزی نمود. بر اساس چگونگی گردآوری داده‌ها (طرح تحقیق)، این پژوهش از جمله تحقیق‌های توصیفی (غیرآزمایشی) است.

جامعه آماری این تحقیق شامل زنان سرپرست خانوار ساکن در روستاهای شهرستان کرمانشاه که عضو کمیته امداد و یا بهزیستی هستند به تعداد ۲۰۴۳ نفر بوده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان و کرجسی ۳۲۳ نفر بوده که از این تعداد ۲۶۰ عدد پرسشنامه با اطلاعات کامل عودت داده شد. محققانی همچون کوک و همکاران (Cook et al., 2000)، بالانتین (Ballantyne, 2005) و نیر و همکاران (Nair et al., 2005) معیار مطلوب نرخ بازگشت پرسشنامه را ۵۵-۵۶ درصد بیان نموده‌اند، بنابراین با توجه به مشکلات ایجاد ارتباط با جامعه هدف و همچنین درصد بالای بی‌سوادی و کم‌سوادی در آن‌ها این نرخ بازگشت، اجتناب‌ناپذیر بوده است. در بخش یک که شامل دهستان‌های بالا دریند، پشت دریند، میان دریند، درود فرمان، قره‌سو و رازآوران است، ۸۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب

شد. در بخش دو که شامل دهستان‌های جلالوند، عثمانوند و سرفیروزآباد است، ۵۸ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در بخش سه که شامل دهستان‌های چقانرگس و ماهیدشت است، ۹۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد و در بخش چهار که شامل دهستان‌های سنجابی و هفت آشیان است، ۲۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شد. در خصوص گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش حاضر، از روش‌های کتابخانه‌ای و جهت جمع‌آوری اطلاعات برای تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش از روش میدانی استفاده شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته است که روایی آن را سه نفر از متخصصین گروه توسعه روستایی دانشگاه ایلام و دانشگاه رازی تأیید نموده‌اند، که پس از مطالعه سؤالات و گویه‌های پرسشنامه نظرات اصلاحی خود را اعلام کردند که اصلاحات ضروری، چندین بار انجام گردید و اطمینان حاصل شد که سؤالات مطرح‌شده قابلیت اندازه‌گیری ویژگی‌ها و شاخص‌های مورد نظر را دارند. همچنین با استفاده از نرم‌افزار SPSS و ضریب آلفای کرونباخ پایایی متغیرهای مختلف پرسشنامه محاسبه شد که آلفای کرونباخ قسمت‌های مختلف آن بالاتر از ۰/۷ بوده است (جدول ۱).

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد مطالعه

ردیف	متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
۱	فردی	۷	۰/۷۳
۲	سیاستی- اداری	۱۰	۰/۷۰
۳	فرهنگی- اجتماعی	۹	۰/۷۱
۴	اقتصادی	۴	۰/۷۹

متغیرهای مستقل در این پژوهش عبارت‌اند از سن، اعتمادبه‌نفس، قدمت منزل مسکونی، زیرساخت‌های روستایی، استفاده از خدمات دولتی، سلامت جسمانی، فاصله روستا تا شهر، وجود کارخانه و یا کارگاه کوچک، فاصله روستا تا مرکز استان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، سال سرپرستی، اندازه زمین مسکونی، خدمات کمیته امداد، وضعیت مالی خانواده پدری، آشنایی با بازار کار، تبعیض جنسیتی، وضعیت نادیده گرفتن زنان توسط دولت، مهارت در یک شغل، تحصیل‌کرده بیکار در خانواده و نداشتن سرمایه اولیه، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال، عضویت در نهادهای حمایتی و منطقه محل سکونت که در پنج گروه متغیرهای فردی، سیاستی- اداری، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی و جغرافیایی دسته‌بندی شده‌اند.

متغیر وابسته در این تحقیق فقر اقتصادی می‌باشد که با متغیرهای درآمد، وام یا بدهی و هزینه‌های زندگی، اندازه زمین کشاورزی، تعداد دام و طیور و تعداد افراد تحت تکفل محاسبه شده است. در این تحقیق با استفاده از اندازه زمین کشاورزی و تعداد دام، درآمد ماهیانه محاسبه شد، سپس درآمد را از وام یا بدهی و هزینه‌ها کم کرده، درآمد خالص به دست آمد و پس از آن تقسیم بر تعداد اعضای خانواده شد و به این شکل، فقر اقتصادی افراد مورد مطالعه، محاسبه گردید.

محاسبات آماری این تحقیق به‌وسیله نرم‌افزار SPSS₂₁ صورت گرفته است. لازم به ذکر است که در بخش آمار توصیفی، از جداول توزیع فراوانی، درصد و میانگین به منظور توصیف ویژگی‌های نمونه آماری استفاده شد و در بخش آمار استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های همبستگی و رگرسیون بهره گرفته شد.

یافته‌ها و بحث

نتایج جدول ۲، نشان داد که بیشترین تعداد از افراد مورد مطالعه در گروه سنی ۴۰-۵۰ سال (۳۱/۵ درصد) است. همچنین ۴۳/۸ درصد از زنان سرپرست خانوار بی‌سواد می‌باشند. توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر اساس وضعیت تأهل نشان داد که بیشترین فراوانی (۶۷/۷ درصد) مربوط به زنان بیوه است. به استناد نتایج تحقیق، زنان سرپرست خانواری که زیر ۱۰ سال است سرپرستی خانواده به آنان محول شده است ۶۷/۶ درصد می‌باشند. در این میان کمترین سال واگذاری سرپرستی خانواده به زنان، یک سال و بیشترین آن مربوط به ۴۵ سال است. همچنین نتایج نشان داد که ۴۵/۴ درصد زنان سرپرست خانوار روستایی خانه‌دار هستند. ۵۶/۱ درصد از زنان سرپرست خانوار روستایی مورد مطالعه در این تحقیق هیچ درآمد ماهیانه‌ای ندارند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً نیمی از زنان سرپرست خانوار روستایی هیچ شغل و درآمدی ندارند و ۱۸/۴ درصد از این زنان درآمد ماهیانه زیر ۵۰۰ هزار تومان دارند که از حداقل درآمد در کشور ما کمتر است. به استناد نتایج ۴۰

درصد زنان سرپرست خانوار هیچ فرد شاغلی را درون خانواده ندارند. ۴۹/۲ درصد آن‌ها هزینه ماهیانه زندگی‌شان بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان است. نتایج نشان داد که ۸۴/۶ درصد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد می‌باشند که این آمار نشان از پوشش‌دهی خوب زنان سرپرست خانوار روستایی توسط کمیته امداد می‌باشد، ۱۱/۵ درصد تحت پوشش بهزیستی و پنج درصد نیز تحت پوشش مؤسسه‌های خیریه می‌باشند. ۴۶/۹ درصد به‌طور متوسط از خدمات سازمان‌های کمیته امداد و سایر سازمان‌های مردم‌نهاد بهره‌مند شده‌اند. ۶۹/۲ درصد زنان از دفترچه بیمه برخوردار بوده و ۳۰/۸ درصد بدون دفترچه بیمه می‌باشند. ۵۳/۸ درصد زنان سرپرست خانوار هیچ فرد تحصیل‌کرده بیکاری در خانواده ندارند، همچنین ۷۶/۴ درصد زنان سرپرست خانوار هیچ آموزش فنی و حرفه‌ای ندیده‌اند که حاکی از فعالیت محدود آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای در روستاها می‌باشد. بررسی وضعیت فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار در این تحقیق نشان داد که ۸۶/۸ درصد از این زنان بین صفر تا ۵۰۰ هزار تومان درآمد خالص دارند، یعنی نه‌تنها زیر خط فقر قرار دارند بلکه با کسری درآمد هم مواجه هستند که ممکن است این کسری از پس‌انداز آن‌ها کم کند و یا بدهی دیگری را برای آنان فراهم آورد. همچنین ۰/۷ درصد از آن‌ها بالای ۱ میلیون تومان درآمد خالص دارند که با تقسیم این اعداد بر تعداد اعضای خانواده نشان می‌دهد که اکثریت زنان سرپرست خانوار روستایی شهرستان کرمانشاه، خیلی فقیر هستند.

جدول ۲- ویژگی‌های فردی نمونه‌ی مورد مطالعه

متغیرها	فراوانی	میانگین	کمترین	بیشترین
سن (سال)			۴۰-۵۰ سال (۳۱/۵ درصد)
سطح سواد	۴۳/۸ درصد از زنان سرپرست خانوار بی‌سواد			
وضعیت تأهل	۶۷/۷ درصد مربوط به زنان بیوه			
سال سرپرستی	۶۷/۶ درصد زیر ۱۰ سال	۱		۴۵
وضعیت اشتغال	۴۵/۴ خانه‌دار			
میزان درآمد کل (تومان)	۵۶/۱ درصد هیچ درآمدی ندارند ۱۸/۴ درصد ماهیانه زیر ۵۰۰ هزار تومان			
عضویت در نهادهای حمایتی	۸۴/۶ درصد تحت پوشش کمیته امداد ۱۱/۵ درصد تحت پوشش بهزیستی			

بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

به‌منظور آزمودن فرضیه‌های این مطالعه از آزمون همبستگی اسپیرمن و پیرسون استفاده شد. بررسی ضریب همبستگی بین متغیرهای سن، اعتماد به نفس، قدمت منزل مسکونی، زیرساخت‌های روستایی، استفاده از خدمات دولتی، سلامت جسمانی، فاصله روستا تا شهر، وجود کارخانه و یا کارگاه کوچک در نزدیکی محل زندگی، فاصله روستا تا مرکز استان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این متغیرها با متغیر وابسته فقر اقتصادی وجود ندارد. از طرفی بررسی ضریب همبستگی بین متغیرهای سال واگذاری سرپرستی، اندازه زمین مسکونی، خدمات کمیته امداد، وضعیت مالی خانواده پدری، آشنایی با بازار کار، تبعیض جنسیتی، وضعیت نادیده گرفتن زنان توسط دولت نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این متغیرها در سطح پنج درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان با متغیر وابسته فقر اقتصادی وجود دارد. همچنین بررسی ضریب همبستگی بین متغیرهای نداشتن مهارت در یک شغل، تعداد افراد تحصیل‌کرده بیکار در خانواده و نداشتن سرمایه اولیه نشان داد که رابطه معنی‌داری بین این متغیرها و متغیر وابسته فقر اقتصادی در سطح یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان وجود دارد (جدول ۳).

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته فقر اقتصادی

دسته متغیرها	متغیر	نوع ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
متغیرهای فردی	سن	پیرسون	۰/۰۴۳	۰/۶۲۸
	اعتماد به نفس	پیرسون	۰/۰۵۵	۰/۵۳۷
	آشنایی با بازار کار	اسپیرمن	-۰/۲۳۷**	۰/۰۰۷
	مهارت در یک شغل	اسپیرمن	-۰/۲۵۶**	۰/۰۰۳
	برخورداری از سلامت جسمانی	اسپیرمن	-۰/۰۰۲	۰/۹۸۲
متغیرهای اجتماعی- فرهنگی	سال واگذاری سرپرستی	پیرسون	-۰/۱۵۵*	۰/۰۳۷
	تعداد افراد تحصیل کرده بیکار در خانواده	پیرسون	۰/۲۷۶**	۰/۰۰۲
	تبعیض جنسیتی	پیرسون	۰/۱۵۴*	۰/۰۲۰
متغیرهای اقتصادی	نادیده گرفتن زنان توسط دولت	اسپیرمن	۰/۲۰۴*	۰/۰۳۵
	وضعیت مالی خانواده پدری	اسپیرمن	-۰/۲۰۴*	۰/۰۲۰
	اندازه زمین مسکونی	پیرسون	-۰/۱۲۶*	۰/۰۴۵
	قدمت منزل مسکونی	پیرسون	-۰/۰۲۲	۰/۸۰۸
متغیرهای سازمانی	نداشتن سرمایه اولیه	اسپیرمن	۰/۲۶۶**	۰/۰۰۷
	خدمات کمیته امداد	اسپیرمن	-۰/۱۲۵*	۰/۰۲۱
	استفاده از خدمات دولتی	پیرسون	-۰/۰۵۲	۰/۵۶۰
	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای	پیرسون	-۰/۱۱۹	۰/۱۷۹
متغیرهای جغرافیایی	زیرساخت‌های روستایی	پیرسون	۰/۰۹۲	۰/۲۹۶
	وجود کارخانه یا کارگاه در نزدیکی محل زندگی	پیرسون	-۰/۰۶۲	۰/۴۸۴
	فاصله روستا تا شهر	پیرسون	۰/۰۲۷	۰/۷۶۲
	فاصله روستا تا مرکز استان	پیرسون	-۰/۰۷۵	۰/۳۹۹

نتایج نشان داد که بین سن و فقر اقتصادی رابطه معنی داری وجود ندارد. برخلاف نظر باستوس و همکاران (Bastos et al., 2009) که در پژوهش خود با عنوان زنان فقیر، به این نتیجه رسیدند که یکی از دلایل فقر زنان سرپرست خانوار می‌تواند سالخوردگی باشد و زنان سالمند از سایر زنان فقیرترند، چراکه توانایی کار کردن را ندارند، این درحالی که در تحقیق حاضر سالخوردگی نتوانسته است فقر را تشدید کند. از طرفی نتایج تحقیق حاکی از این بود که بین سال محول شدن سرپرستی به زنان روستایی و فقر اقتصادی آن‌ها رابطه معنی داری وجود دارد. کرمانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسیدند که مدت‌زمان سرپرستی می‌تواند اثر مثبتی بر فقر بگذارد به این معنی که هرچه سابقه سرپرستی زنان بیشتر باشد، آن‌ها توانمندتر شده و توانسته‌اند شغل و یا منبع درآمدی برای خود مهیا کنند. همچنین نتایج نشان داد که بین کمک‌های حمایتی کمیته امداد و فقر اقتصادی رابطه معنی داری وجود دارد، ولی با این‌وجود محمدپور و علیزاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار در شهرستان ساری بر این عقیده‌اند که با وجود تلاش‌های فراوان این دو سازمان حمایتی، بسیاری از اهداف و شاخص‌های کاهش فقر در میان زنان سرپرست خانوار برآورده نشده است.

نتایج این مطالعه نشان داد که بین دو متغیر فقر اقتصادی و وضعیت مالی خانواده پدری رابطه معنی داری در سطح پنج درصد خطا و ۹۵ اطمینان وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که زنان سرپرست خانواری که با بازار کار آشنایی ندارند از فقر اقتصادی بیشتری برخوردار هستند. طبق نظر قوامی (۱۳۸۳) یکی از مشکلات مهم این زنان بدون مهارت بودن و عدم آشنایی

آنان با بازار کار است. نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که بین فقر اقتصادی و دارا بودن مهارت در یک شغل رابطه معنی‌داری وجود دارد. مطابق با نظر قلی‌زاده‌گرگان و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسیدند که زنانی که در یک شغل خاص مهارت دارند از سایر زنان زودتر توانمند شده و در نتیجه بهتر می‌توانند از پس مشکلات مالی خود و خانواده‌شان برآیند. از طرفی نتایج نشان داد که رابطه معنی‌داری بین فقر اقتصادی و تبعیض‌های جنسیتی وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که خانواده‌های تحت سرپرستی زنان فقیرتر از خانواده‌های تحت سرپرستی مردان است و این فقر می‌تواند ناشی از تبعیضاتی باشد که ساختار جامعه ایجاد نموده است مثل تفاوت دستمزد زن و مرد و مشکلات دیگری نظیر فرصت‌های اشتغال و غیره. نتایج نشان داد که زنان سرپرست خانوار روستایی که سرمایه اولیه ندارند، فقر اقتصادی بیشتری دارند. همان‌گونه که اسکارلاتوس (Skarlatos, 2004) در مطالعه‌ای با عنوان تأمین اعتبارات خرد و توانمندسازی زنان؛ به منظور طراحی مجدد آینده، به این نتیجه دست یافت که قرار دادن سرمایه به منظور راه‌اندازی فعالیت‌های درآمدزا در اختیار زنان، در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی آنان مؤثر بوده و موجب بهبود کیفیت زندگی آنان می‌شود. همچنین نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که زنان سرپرست خانواری که حقوقشان توسط دولت نادیده گرفته شده است، فقر اقتصادی بیشتری نسبت به سایر زنان دارند. همان‌گونه که دادورخانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان حکمرانی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی به این نتیجه رسیدند که حکمرانی خوب با دارا بودن شاخص‌هایی نظیر مشارکت، قانون‌گذاری و غیره از طریق راهکارهای افزایش مشارکت فقرا، افزایش قابلیت‌های فقرا از طریق بهبود خدمات اساسی، ایجاد فرصت‌های اقتصادی از طریق راهکارهای افزایش میزان دسترسی به بازار، ایجاد خدمات تأمینی مناسب در برابر شوک‌های اقتصادی و تأمین امنیت فقرا در برابر فساد، جرم و جنایت سبب کاهش فقر می‌شود به گونه‌ای که حکمرانی خوب با بهبود شرایط حکومت، افزایش آزادی و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و طراحی برنامه‌های توسعه توسط خود مردم سبب ایجاد فرایندهای نوین اداری، تغییر شیوه‌های تأمین معاش و در نتیجه کاهش فقر خواهد شد. قنبری و انصاری (۱۳۹۳) نیز نبود حمایت‌های قانونی توسط دولت را یکی از عوامل فقر زنان می‌دانند و بختیاری و محبی (۱۳۸۵) نقش نهادهای دولتی در نظام اسلامی را در سازمان‌دهی این گروه حائز اهمیت دانسته‌اند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه

در این قسمت به منظور شناخت بیشتر عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی و با توجه به اعتبار روش‌های رگرسیونی مختلف، از رگرسیون همزمان استفاده شده است. هدف از انجام رگرسیون بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته و تعیین سهم هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته می‌باشد (کلاتری، ۱۳۸۹). رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد کدام یک از عوامل، بیشترین تأثیر را در مدیریت فقر اقتصادی دارد، بنابراین در این تحقیق بر اساس مدل رگرسیونی چندگانه، متغیرهای مستقلی که همبستگی معناداری با متغیر وابسته فقر اقتصادی داشتند، وارد مدل رگرسیونی شدند. همچنین به منظور اجرای رگرسیون، گوجاراتی (۱۹۹۵) توصیه نموده که سطح تحمل داده‌ها (مقدار Tolerance) برای تعیین هم‌خطی بین متغیرهای مستقل اجرا شود. از این‌رو، مقدار سطح تحمل داده‌ها در این مطالعه، بیشتر از ۰/۱ محاسبه شد که گویای عدم هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد. همچنین مقدار VIF نیز فاصله زیادی با مقدار عدد ۲ دارد که این امر نیز گواه بر عدم هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد.

نتایج این تحلیل نشان داد که معادله رگرسیون با $F=6/217$, $P=0/000$ در سطح یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار شد. یافته‌ها حاکی از این است که از متغیرهای فردی، متغیر مهارت در یک شغل با شیب خط رگرسیون $B=0/577$ و $t=2/45$ و متغیر آشنایی با بازار کار $B=0/427$ و $t=2/131$ در سطح پنج درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان معنادار شدند. از متغیرهای اقتصادی، متغیر وضعیت مالی خانواده پدری با شیب خط رگرسیون $B=0/317$ و $t=1/123$ و متغیر نداشتن سرمایه اولیه با شیب خط رگرسیون $B=0/323$ و $t=2/91$ در سطح پنج درصد خطا و ۹۵ درصد اطمینان معنادار شدند. از متغیرهای اجتماعی- فرهنگی، متغیر تعداد افراد تحصیل‌کرده‌ی بیکار در خانواده با شیب خط رگرسیون $B=0/871$ و $t=4/63$ در سطح یک درصد خطا و ۹۹ درصد اطمینان معنی‌دار شد؛ بنابراین، این متغیرها بیشترین تأثیر را در فقر اقتصادی دارند. از طرفی، نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه به روش همزمان نشان می‌دهد که مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده (Adjusted R square) $0/417$ است. به عبارتی ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تحقیق تبیین شده است. همان‌طور

بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی...

که نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد بیشترین تأثیر مربوط به متغیرهای فردی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی می‌باشد، به عبارت دیگر این متغیرها بیشترین تأثیر را بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار دارند و متغیرهای سیاسی- اداری و جغرافیایی تأثیر معناداری بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی در مطالعه حاضر ندارند. به‌طور کلی معادله رگرسیون حاصل از این تحلیل به صورت زیر است.

$$Y' = 1/47 + 0/317x_1 + 0/323x_2 + 0/427x_3 + 0/871x_4 + 0/557x_5$$

Y' = فقر اقتصادی

B = ضریب ثابت

X_1 = وضعیت مالی خانواده پدری-مادر

X_2 = نداشتن سرمایه اولیه

X_3 = آشنایی با بازار کار

X_4 = تعداد افراد تحصیل کرده بیکار در خانواده

X_5 = مهارت در یک شغل

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون اثر متغیرهای مستقل بر فقر اقتصادی

VIF	Tolerance	Sig	T	ضرایب		متغیر	دسته متغیرها
				استاندارد	Beta		
		0/000	4/585		0/321	1/470	ثابت
1/636	0/611	0/24	1/178	0/143	0/017	0/128	تبعیض جنسیتی
1/53	0/643	0/000**	4/63	0/809	0/038	0/871	تعداد افراد تحصیل کرده بیکار
1/65	0/69	0/074	-1/794	-0/098	0/100	-0/179	نادیده گرفتن زنان توسط دولت
1/173	0/460	0/32	2/16	0/172	0/35	0/276	اعتماد به نفس
1/428	0/412	0/015*	2/45	0/280	0/048	0/577	مهارت در یک شغل
1/36	0/611	0/04*	2/131	0/371	0/162	0/427	آشنایی با بازار کار
1/4	0/668	0/067	1/458	0/044	0/020	0/119	خدمات کمیته امداد
1/62	0/543	0/048*	1/123	0/26	0/158	0/317	وضعیت مالی خانواده پدری
1/57	0/628	0/038*	2/091	0/267	0/011	0/323	نداشتن سرمایه اولیه
1/36	0/487	0/213	1/25	0/066	0/043	0/154	اندازه زمین مسکونی

$$R = 0/52 \quad R^2 = 0/433 \quad \text{Adjusted } R^2 = 0/417 \quad F = 6/217 \quad (\text{Sig} = 0/000)$$

** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در نهایت، نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که داشتن مهارت در یک شغل، وضعیت مالی خانواده پدری، نداشتن سرمایه اولیه، آشنایی با بازار کار و تعداد افراد تحصیل کرده بیکار در خانواده با فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی رابطه معنی داری دارد. همان‌طور که نتایج نشان داد متغیرهای فردی و اقتصادی بیشترین تأثیر را بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار دارند.

بر اساس نتایج این مطالعه، می‌توان نتیجه گرفت خانواده‌های زن سرپرست با اینکه دارای مشکلات متعددی هستند، ولی این مسئله به معنای آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فایز آیند. لفظ آسیب‌پذیر به این گروه به گونه مطلق و فراگیر درست نیست زیرا به این ترتیب، واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایط آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. اگرچه زنان به دلیل جنسیت آن‌ها و نابرابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی، بیشتر از مردان در معرض فقر اقتصادی قرار دارند، اما می‌توان گفت تمام زنان یا زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند، بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده پایین اجتماع قرار می‌گیرند، بیش‌تر در معرض آسیب هستند. همان‌طور که نتایج این مطالعه نیز حاکی از این بود که متغیرهای فردی و اقتصادی بیشترین تأثیر را بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار دارند، به عبارتی اقشار پایین جامعه آسیب‌پذیرتر هستند. مهم‌ترین شاخص تعیین طبقه عبارت است از شاخص درآمد، تحصیل و شغل، یعنی همه زنان آسیب‌پذیر نیستند، بلکه گروهی که درآمد کم‌تر، تحصیلات کم‌تر و شغل کم‌منزلت‌تر دارند و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند آسیب‌پذیرند و در تله فقر قرار می‌گیرند.

با توجه به نتایج مطالعه موارد زیر پیشنهاد می‌شود.

- یافته‌های تحقیق حاکی از آن بوده است که تقریباً نیمی از زنان سرپرست خانوار روستایی خانه‌دار هستند و این بدان معناست که هیچ درآمد ماهیانه‌ای به جز یارانه و کمک‌های سازمان‌های حمایتی ندارند، بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولان و متولیان امر زمینه ایجاد مشاغل خانگی و مشاغلی که نیاز به مهارت چندانی ندارد و از عهده این زنان بر می‌آید مانند قالی‌بافی، صنایع دستی، بافندگی و غیره را در روستاها برای آنان فراهم کنند تا از این طریق هم بتوانند متکی به خود باشند و هم کسب درآمد کنند تا فقر اقتصادی خود و خانواده‌شان را کاهش دهند.

- یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که دسترسی زنان سرپرست خانوار روستایی به منابع تأمین اعتبار دولتی و غیردولتی پایین است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که مسئولان و متولیان این امر در قالب طرح‌های ویژه زنان سرپرست خانوار وام‌هایی با سود بانکی کم و بازپرداخت پایین و ضمانت راحت‌تر در اختیار این زنان قرار دهند، چراکه می‌توان گفت یکی از عمده مشکلات این زنان نداشتن سرمایه است تا از این طریق شاید بتوانند شغلی برای خود راه‌اندازی کنند.

- یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که تعداد بسیار زیادی از زنان مورد مطالعه از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بی‌بهره بوده‌اند. با توجه به این‌که خیلی کم دیده شده است که مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای در روستاها وجود داشته باشد و به علت نقش‌های زیادی که زنان در خانواده دارند، همانند انجام کارهای منزل و تربیت فرزندان و هزینه‌های بالای زندگی، ممکن است رفت و آمد به شهر برای آن‌ها دشوار باشد، پیشنهاد می‌شود که دولت مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای را به‌طور مستقیم در روستاها تأسیس نماید.

- یافته‌های تحقیق حاکی از آن بوده است که عدم آشنایی زنان سرپرست خانوار با بازار کار و نداشتن مهارت‌های شغلی از دلایل فقر اقتصادی این زنان است، بنابراین پیشنهاد می‌شود که سازمان‌های حمایتی در قالب کلاس‌های آموزشی، مهارت‌های شغلی را به این زنان آموزش داده و آن‌ها را با بازار و محیط کار آشنا نمایند.

منابع

- اکبری ترکمانی، ن.، قاسمی، و.، و آقا بابایی، ا. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار از منطقه ۵ شهر اصفهان با تأکید بر مؤلفه اشتغال. *فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، دوره ۱۶، شماره ۳، صص ۳۶-۷.
- امینی، ع.، و طاهری، ع. ح. (۱۳۹۵). تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم. *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۲، شماره ۲، صص ۵۱-۳۷.
- بختیاری، ا.، و محبی، ف. (۱۳۸۵). حکومت و زنان سرپرست خانوار. *مجله شورای فرهنگی اجتماعی*، شماره ۳۴، صص ۱۱۰-۶۷.
- براتی، م. ع.، و ابراهیمی سالاری، ت. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر در خانوارهای دارای سرپرست زن در ایران. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۸، شماره ۶۸، صص ۸۵-۴۳.

- پیری، ص. (۱۳۹۰). مسئله‌شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*. دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۶۱-۱۴۳.
- دادورخانی، ف.، سلیمانی، م.، فرهادی، ص.، و زارع، ز (۱۳۹۰). حکمرانی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی. *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش نو در جغرافیای انسانی*، سال ۲ شماره ۴، صص ۱۲۰-۱۰۳.
- راغفر، ح.، و سلیمانی، م. (۱۳۹۵). توانمندسازی و فقرزدایی از زنان همسر فوت شده و زنان مطلقه شهرستان سلسله. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۴ شماره ۱، صص ۶۱-۵۱.
- سازمان بهزیستی استان کرمانشاه. (۱۳۹۶). گزارش عملکرد اداره کل بهزیستی استان کرمانشاه. قابل دسترس در آدرس اینترنتی: <https://www.behzisti.ir/service/province/kermanshah>
- سعدی، ح. (۱۳۹۲). نقش کسب و کارهای کوچک در تأمین نیازهای اساسی زنان سرپرست خانوار روستایی استان همدان. *فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، دوره ۴۴، شماره ۲، صص ۲۸۲-۲۷۱.
- شالچی، س.، و عظیمی، م. (۱۳۹۸). مطالعه زنانه شدن فقر در ایران. *پژوهشنامه زنان*، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۳.
- غفاری، م. (۱۳۸۲). نقش زنان خانه‌دار در فرصت‌ها و چالش‌ها، *مجله مطالعات زنان*، شماره ۵، صفحه ۱۶۸.
- فرضی‌زاده، ز.، و حقی، س. (۱۳۹۹). مردم‌شناسی فقر زنان سرپرست خانوار شهر اراک. *نامه انسان‌شناسی*، سال ۱۶، شماره ۲۹، صص ۲۲۱-۱۹۳.
- فطرس، م. ح.، و قدسی، س. (۱۳۹۷). فقر چند بعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی ایران با استفاده از روش آلفا و فوستر. *فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ۱۸، شماره ۶۷، صص ۲۲۷-۱۸۵.
- قلی‌زاده گرجان، م.، اریک، ب.، و علایی، م. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار. *همایش علمی رفتارهای حمایت‌گرا در عصر جهانی‌شدن*، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۶۲-۲۹.
- قنبری، ی.، و انصاری، ر. (۱۳۹۳). شنایی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی مطالعه موردی: شهرستان رستم. *مجله پژوهشی و برنامه‌ریزی روستایی*، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۰-۱.
- قوامی، ه. (۱۳۸۳). بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خود اشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق‌بگیر در نقاط شهری ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، سال ۱۷، شماره ۷۲، صص ۲۵۷-۲۲۷.
- کرمانی، م.، مظلوم خراسانی، م.، و بهروان، ح. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار مورد مطالعه: زنان شاغل در مراکز کوثر شهرداری تهران سال ۱۳۹۱. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۱۱۶-۱۴۸.
- کلانتری، خ. (۱۳۸۹). *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی و اقتصادی*. تهران: انتشارات شریف.
- کمیته امداد امام خمینی استان کرمانشاه. (۱۳۹۶). گزارش عملکرد کمیته امداد امام خمینی (ره) استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۶. قابل دسترس در آدرس اینترنتی: <https://kermanshah.emdad.ir>
- محمدی، ی.، عوافی اکمل، ف.، ضمیری آراسته، م.، و رحیمیان، م. (۱۳۹۸). تحلیل عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر توانمندسازی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد (مورد مطالعه: استان‌های کرمانشاه و همدان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۱۵، شماره ۲، صص ۷۹-۶۵.
- محمدپور، ا.، و علیزاده، م. (۱۳۹۰). زنان و فرهنگ فقر؛ مطالعه کیفی فرهنگ فقر در میان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی ساری. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال ۸، شماره ۱، صص ۱۹۷-۱۶۵.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۵. قابل دسترسی در آدرس اینترنتی: <https://www.amar.org.ir>
- منفرد، ن. (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر میزان آگاهی زنان روستایی از وضعیت و حقوق فردی- خانوادگی، فرهنگی- اجتماعی، و اقتصادی خود (مورد مطالعه: شهرستان دشتستان). *مجله علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، جلد ۹، شماره ۱، صص ۸۲-۶۷.
- موسوی، م. ح.، و آذری بنی، ب. (۱۳۹۵). اندازه‌گیری بین نسلی تله فقر در میان نسل سنی زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه*، سال ۷، شماره ۲، صص ۱۵۴-۱۳۵.

- Bastos, A., Casaca, S., Nunes, F., and Pereirinha, J. (2009). Woman and poverty: A gender-sensitive approach. *Journal of Behavioral and Experimental Economics (formerly The Journal of Socio-Economics)*, 38(5), 764-778.
- Ballantyne, C. (2003). Measuring quality units: Considerations in choosing mandatory questions. Paper presented at the Evaluations and Assessment Conference: A Commitment to Quality, University of South Australia. 24-25 November, Adelaide.
- Bushra, A., and Nasra, W. (2015). Assessing the socio-economic determinants of women empowerment in Pakistan. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 177, 3-8.
- Chia, L., Albert, E., and Rocio, T. (2017). Female-headed households and living conditions in Latin America centre d' studies demographics, Bellaterra (Barcelona). *Spain World Development*, 90, 311-328.
- Cook, C., Heath, F., and Thompson, R. L. (2000). A meta-analysis of response rates in web or internet-based surveys. *Educational and Psychological Measurement*, 60(6), 821-836.
- Gaspart, F., Thomas, A. (2012). Does poverty trap rural Malagasy households?. University catholique de Louvain. *World Development*, 67, 490-505. Available at: <<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2014.11.012>>
- Geric, A. (2013). A Transformation stand-alone goal on achieving gender equality, women's rights and women's empowerment: Imperatives and key components, UN women.
- Lekobane, Kh. R., and Seleka, T. (2017). Determinants of household welfare and poverty in Botswana. *Journal of Poverty*, 21(1), 42-60.
- Makame, I. H., and Mzee, S. S. (2014). Determinants of poverty on household characteristics in Zanzibar: A logistic regression model. *Developing Country Studies*, 4(20), 188-195
- Nair, C. S., Wayland, C., and Soediro, S. (2005). Evaluating the student experience: A leap into the future. Paper presented at the 2005 Australasian Evaluations Forum: University Learning and Teaching: Evaluating and Enhancing the Experience, UNSW, 28-29 November, Sydney.
- Ozawa, M. N., Lee, Y., and Wang, K.Y. (2011). Economic conditions of female-headed households in Taiwan in comparison with the United States and Sweden. *Journal of Comparative Social Welfare*, 27(1), 63-74.
- Skarlatos, K. (2004). Microfinance and women's empowerment: Bridging the gap, redesigning the future. Wisconsin coordinating council on Nicaragua. working paper series No 1. available at: <<https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.545.4108&rep=rep1&type=pdf>>

Article Type: Research Article

DOR: [20.1001.1.20081758.1400.17.1.9.5](https://doi.org/10.1001.1.20081758.1400.17.1.9.5)

Factors Influencing Economic Poverty of Rural Female-headed Households (The Case of Kermanshah County)

S. Mashayekhi¹, H. Moradnezehadi^{2*}, S. Saymohammadi³ and A. Mirakzadeh⁴

(Received: Apr. 20. 2021; Accepted: Aug 23. 2021)

Abstract

The purpose of this study was to investigate the factors influencing economic poverty of rural female-headed households. The statistical population of this study were consisted those rural female-headed households who were under support of Assistance Committee and Well-being Organization of Kermanshah County. Data were collected by a researcher-made questionnaire. The results of regression analysis showed that the variables of having skills in a job, financial status of the paternal family, lack of initial capital, level of familiarity with the labor market and the presence of educated unemployed in the household have the greatest effect on the economic poverty of rural female-headed households. In general, it can be argued that almost half of the female headed households are housewives and do not have any jobs or sources of income. Therefore, it is recommended that the authorities and custodians provide the room for creating home-based jobs and jobs that do not require much skills, and also provide conditions for these women to be able to take care of household responsibilities while working.

Keywords: Economic poverty, Gender poverty, Women poverty, Female-headed household, Rural women.

¹ M.Sc. of Rural Development, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Ilam University, Ilam, Iran.

² Associate professor, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Ilam University, Ilam, Iran.

³ Assistant professor, Department of Entrepreneurship and Rural Development, Ilam University, Ilam, Iran.

⁴ Assistant professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agriculture, Razi University, Kermanshah, Iran.

* Corresponding Author, Email: h.moradnezehadi@ilam.ac.ir